



چنین ادعایی هم ندارم. با آنکه کتاب «افسانه‌سهند و سندباد» را دو دهه قبل نوشته‌اید، اما چطور است که صفحات ابتدایی اش پایتخم کمبود آب، یکی از بحران‌های جدی جهان امروز همراه شده! این برآمده از دغدغه‌های زیست‌محیطی شماست یا بنا بر ضرورت داستانی ماجراجویی است که در این زمان به آن پرداخته‌اید؟

این زمان را سال‌ها پیش نوشتیم. شاید آن موقع با اتقایی روبه‌رو شده و این ماجرا به نوشته‌ها راه یافته، شاید هم ناخواسته بوده است. راستش یادم نمانده وقتی این زمان را شروع کردم چه مسائلی در تألیف آن مؤثر بوده است، با این حال همان طور که در کتاب هم خواندید در این زمان، آب در بخش‌های مختلف جایگاهی جدی دارد.

شروع داستان از یک پندرگاه است؛ این ارتباطی به زادگاه خودتان، پندرتَرکمن و تجربه‌های زیسته‌تان دارد؟

همان‌طور که اشاره کردید من متولد بندر ترکمن هستم و رود، رودخانه و دریا در ناخودآگاه من حضوری دائمی دارند.

پس حضور پررنگ مسائل مرتبط با آب و کمبود آن در زمان شما برآمده از تجربه زیسته‌تان است و آن را نمی‌توان به عنوان یک دغدغه در آثار بعدی‌تان دید؟

نمی‌دانم، تا به امروز این‌طور به این مسأله نگاه نکردم. بخشی از نوشته‌های هر نویسنده‌ای برخاسته از ناخودآگاه و شرایطی محسوب می‌شود که آنها را زیسته است. خیلی اوقات مسائلی به آثارمان راه پیدا می‌کنند که برای آن برنامه‌ریزی خاصی نکرده‌ایم.

با وجود آنکه «افسانه‌سهند و سندباد» در دو بعد زمانی، امروز گذشته در جریان است اما چرا زمان بسیار کمی به دوره حاضر اختصاص داده‌اید حتی می‌توان گفت غیر از انتخاب اسمی امروز برای شخصیت اصلی‌تان و چند مورد دیگر، ردپایی از زندگی یک نوجوان معاصر در کتاب دیده نمی‌شود و بیشتر شرایط و زمانه سندباد در آن خودنمایی می‌کند؟

خب پاسخ این سؤال را من نویسنده باید از شما بپرسم؛ کتاب را خواندید؟ از این جهت کمبودی احساس کردید؟ کتاب را خوانده‌ام. اما اگر بخوام خودم رو به یک جای نوجوان بگذارم شاید بهتر بود رنگ و لعاب و نشانه‌های بیشتری از زندگی زمانه ما در آن می‌دیدم!

ببینید، در این بیست‌ساله که از انتشار نخستین جلد زمان «افسانه‌سهند و سندباد» می‌گذرد، با تغییرات بسیاری روبه‌رو شده‌ایم. من حتی اگر می‌خواستم هم قادر به انعکاس همه اینها در نوشته‌ام نبودم، شما به وضعیت تکنولوژی‌های ارتباطی که نگاه کنید با تحولاتی شگرف روبه‌رو می‌شوید، نه فقط در مقایسه با بیست سال قبل، بلکه سال به سال شرایط عوض می‌شود، آنچنان که اگر قرار بود حالا آن را بنویسم کار دیگری از آب درمی‌آمد. گذشته از این مبحث، زمان «افسانه‌سهند و سندباد» در دو فضا سپری می‌شود. حضور شخصیت‌های داستان در روزگار معاصر تنها در دو بخش زمان دیده می‌شود؛ یکی آنجا که سهند به همراه پدرش با آن عوایی که درباره‌آب راه می‌افتد روبه‌رو می‌شوند و دیگری انتهای داستان که به هوش می‌آید. مابقی داستان در فضای فانتزی روایت می‌شود که آنجا هم نمی‌توان بحث تفاوت زمان‌های مختلف را به میان آورد. در ادبیات فانتزی، مخاطبان دنبال نشانه‌های زندگی واقعی نیستند و همین دست نویسنده را باز می‌گذارد. مسأله شرق و غربی که در این زمان مطرح کرده‌اید؛ اینکه سندباد شخصیت مثبت داستان، پسر پادشاه مشرق زمین است و هلاک‌شاه هم به غرب پادشاهی می‌کند. اشاره به تقسیم‌بندی‌های سیاسی جهان امروز و تقابلی دارد که میان شرق و غرب دیده می‌شود؟

اینکه بگویم به عمده آن را مطرح کرده و استعاره‌ای از جهان سیاست بوده، نه! بیشتر برای به تصویر کشیدن خبر وشر و بی‌استفاده کردن آن است. البته با نگاهی که آن زمان داشته‌ام. آقای عابدی از این گفتید که «هر از یک شب» از علاقه‌مندی‌های جدی خودتان است؛ افسانه‌ای که به شکل‌های گوناگون در دسترس مخاطبان قرار گرفته؛ وقتی تصمیم به تألیف داستان با اسمی که به این افسانه اشاره دارد گرفتید نگران نبودید مخاطب تصور کند بازی تکراری و مشابه کارهای بی‌شمار قبلی طرف است؟

راستش اصلاً وقتی این اثر حتی اقیانوس هم نیست، دور از انصاف است که کسی از روی اسمش آن را قضاوت کند.

به رغم آنکه زمان شما در هیچ‌یک از حیطه‌های اقیانوس، الهام یا حتی بازآفرینی اثر نمی‌گیرد اما به نظرم رسد به مسائلی که ادبیات کهن فارسی، چه در عرصه نظم و چه جنبه‌های آنها و فادای بوده تأکید داشته‌اید؛ از جمله پایبندی

ادبیات کهن به انعکاس پیام‌های تربیتی و اخلاقی، شما هم به مضامینی نظیر نوع دوستی به شکل غیرمستقیم پرداخته‌اید! به هر حال برای فردی همچون من که علاقه‌مندی بسیاری به ادبیات کهن بخصوص افسانه‌های هزار و یک‌شب دارد، توجه به مضامین اخلاقی و تربیتی عجیب نیست، هرچند این هم از ناخودآگاهم نشأت گرفته است. وقتی کتاب تمام شد یکی از دوستان نقدی درباره‌اش نوشت و تازه خودم متوجه آن شدم.

چرا برای روایت بخش فانتزی

زمان به سراغ افسانه‌ها رفتید؟ افسانه‌ها برآمده از ضمیر ناخودآگاه جمعی همه انسان‌ها هستند و به همین خاطر وقتی سهند ببهوش می‌شود او را به فضای افسانه‌ها وارد

ان که بگویم به عمده آن را مطرح کرده و استعاره‌ای از جهان سیاست بوده، نه! بیشتر برای به تصویر کشیدن خبر وشر و بی‌استفاده کردن آن است. البته با نگاهی که آن زمان داشته‌ام. آقای عابدی از این گفتید که «هر از یک شب» از علاقه‌مندی‌های جدی خودتان است؛ افسانه‌ای که به شکل‌های گوناگون در دسترس مخاطبان قرار گرفته؛ وقتی تصمیم به تألیف داستان با اسمی که به این افسانه اشاره دارد گرفتید نگران نبودید مخاطب تصور کند بازی تکراری و مشابه کارهای بی‌شمار قبلی طرف است؟

راستش اصلاً وقتی این اثر حتی اقیانوس هم نیست، دور از انصاف است که کسی از روی اسمش آن را قضاوت کند.

به رغم آنکه زمان شما در هیچ‌یک از حیطه‌های اقیانوس، الهام یا حتی بازآفرینی اثر نمی‌گیرد اما به نظرم رسد به مسائلی که ادبیات کهن فارسی، چه در عرصه نظم و چه جنبه‌های آنها و فادای بوده تأکید داشته‌اید؛ از جمله پایبندی

با بازآفرینی افسانه‌ها و تأثیر آن بر ادبیات معاصر در ایران

نام برخی از آنان اشاره شد، سال‌های زیادی از عمر خود را بر سر ادبیات عامیانه گذاشته‌بودند. از آنجایی‌که این مجموعه، گستره زیادی از ادبیات شفاهی را شامل می‌شود؛ بقدرت تحت تأثیر افسانه‌های هزار و یک‌شب است؛ بخصوص با اسمی که برای آن انتخاب کرده‌اید!

از افسانه‌های هزار و یک‌شب در این مجموعه استفاده شده، اما نه آنقدر که بگویم حضور زیادی دارند!

از آنچه با توجه به مجموعه‌های پژوهش‌های افرادی نظیر زنده‌یاد انجوی شیرازی که به نوعی آغازگر جمع‌آوری قصه‌های عامیانه است هم بهره‌رفته‌اید؟

تمام کارهای انجوی شیرازی، حتی آنهایی را که منتشر نشده‌اند، خوانده‌ام.

از پژوهشگران معاصرتر که آنان هم در گذشته‌اند، همچون احمد و کیلیان و حسن ذوالفقاری که کارهای پژوهشی ارزشمندی در حیطه ادبیات شفاهی و عامیانه انجام داده‌اند چطور؟



خیلی از شاهکارهای ادبی و سینمایی جهان با الهام از افسانه‌های هزار و یک‌شب خلق شده‌اند، بورخس از جمله نویسندگانی است که شیفته این افسانه‌ها بوده است

قصه‌های هزار و یک‌شب، جذاب و شنیدنی است که با چند اقتباس و بازآفرینی کار آن به پایان نمی‌رسد. است اما در آن شاهد فرم‌های مختلف کرده‌اند چطور؟

من این افسانه‌ها را ایرانی می‌دانم اما مخالف این گفته‌ام که در کشورهای پدید آمده نیز به آن افزوده شده‌اند. این افسانه‌ها ظرفیت عجیب و غریبی دارد و هر کجا رفته‌اند گسترش یافته‌اند.

می‌توان به عنوان منبعی در تولید محصولات فرهنگی و هنری نگاه کرد؛ در این راستا چه پیشنهادی

افسانه‌ها برآمده از ضمیر ناخودآگاه جمعی همه انسان‌ها هستند و به همین خاطر وقتی سهند ببهوش می‌شود او را به فضای افسانه‌ها وارد

از آنچه با توجه به مجموعه‌های پژوهش‌های افرادی نظیر زنده‌یاد انجوی شیرازی که به نوعی آغازگر جمع‌آوری قصه‌های عامیانه است هم بهره‌رفته‌اید؟

تمام کارهای انجوی شیرازی، حتی آنهایی را که منتشر نشده‌اند، خوانده‌ام.

از پژوهشگران معاصرتر که آنان هم در گذشته‌اند، همچون احمد و کیلیان و حسن ذوالفقاری که کارهای پژوهشی ارزشمندی در حیطه ادبیات شفاهی و عامیانه انجام داده‌اند چطور؟

یکی از شاهکارهای ادبی و سینمایی جهان با الهام از افسانه‌های هزار و یک‌شب خلق شده‌اند، بورخس از جمله نویسندگانی است که شیفته این افسانه‌ها بوده است

ادبیات آن نیز بی‌شک منعکس کننده نموده‌ای از آن خواهد بود.

در باره اینکه عده‌ای تأکید دارند هزار و یک‌شب از ایران به کشورهای هندو عراق هم راه یافته و آنگاه نیز مواردی را به آن اضافه

من این افسانه‌ها را ایرانی می‌دانم اما مخالف این گفته‌ام که در کشورهای پدید آمده نیز به آن افزوده شده‌اند. این افسانه‌ها ظرفیت عجیب و غریبی دارد و هر کجا رفته‌اند گسترش یافته‌اند.

می‌توان به عنوان منبعی در تولید محصولات فرهنگی و هنری نگاه کرد؛ در این راستا چه پیشنهادی



افسانه‌ها برآمده از ضمیر ناخودآگاه جمعی همه انسان‌ها هستند و به همین خاطر وقتی سهند ببهوش می‌شود او را به فضای افسانه‌ها وارد

از آنچه با توجه به مجموعه‌های پژوهش‌های افرادی نظیر زنده‌یاد انجوی شیرازی که به نوعی آغازگر جمع‌آوری قصه‌های عامیانه است هم بهره‌رفته‌اید؟

تمام کارهای انجوی شیرازی، حتی آنهایی را که منتشر نشده‌اند، خوانده‌ام.

قصه‌های هزار و یک‌شب، جذاب و شنیدنی است که با چند اقتباس و بازآفرینی کار آن به پایان نمی‌رسد. است اما در آن شاهد فرم‌های مختلف کرده‌اند چطور؟

من این افسانه‌ها را ایرانی می‌دانم اما مخالف این گفته‌ام که در کشورهای پدید آمده نیز به آن افزوده شده‌اند. این افسانه‌ها ظرفیت عجیب و غریبی دارد و هر کجا رفته‌اند گسترش یافته‌اند.

می‌توان به عنوان منبعی در تولید محصولات فرهنگی و هنری نگاه کرد؛ در این راستا چه پیشنهادی

افسانه‌ها برآمده از ضمیر ناخودآگاه جمعی همه انسان‌ها هستند و به همین خاطر وقتی سهند ببهوش می‌شود او را به فضای افسانه‌ها وارد

از آنچه با توجه به مجموعه‌های پژوهش‌های افرادی نظیر زنده‌یاد انجوی شیرازی که به نوعی آغازگر جمع‌آوری قصه‌های عامیانه است هم بهره‌رفته‌اید؟

تمام کارهای انجوی شیرازی، حتی آنهایی را که منتشر نشده‌اند، خوانده‌ام.

ادبیات آن نیز بی‌شک منعکس کننده نموده‌ای از آن خواهد بود.

در باره اینکه عده‌ای تأکید دارند هزار و یک‌شب از ایران به کشورهای هندو عراق هم راه یافته و آنگاه نیز مواردی را به آن اضافه

من این افسانه‌ها را ایرانی می‌دانم اما مخالف این گفته‌ام که در کشورهای پدید آمده نیز به آن افزوده شده‌اند. این افسانه‌ها ظرفیت عجیب و غریبی دارد و هر کجا رفته‌اند گسترش یافته‌اند.

می‌توان به عنوان منبعی در تولید محصولات فرهنگی و هنری نگاه کرد؛ در این راستا چه پیشنهادی

افسانه‌ها برآمده از ضمیر ناخودآگاه جمعی همه انسان‌ها هستند و به همین خاطر وقتی سهند ببهوش می‌شود او را به فضای افسانه‌ها وارد

از آنچه با توجه به مجموعه‌های پژوهش‌های افرادی نظیر زنده‌یاد انجوی شیرازی که به نوعی آغازگر جمع‌آوری قصه‌های عامیانه است هم بهره‌رفته‌اید؟

تمام کارهای انجوی شیرازی، حتی آنهایی را که منتشر نشده‌اند، خوانده‌ام.

ادبیات آن نیز بی‌شک منعکس کننده نموده‌ای از آن خواهد بود.

در باره اینکه عده‌ای تأکید دارند هزار و یک‌شب از ایران به کشورهای هندو عراق هم راه یافته و آنگاه نیز مواردی را به آن اضافه

من این افسانه‌ها را ایرانی می‌دانم اما مخالف این گفته‌ام که در کشورهای پدید آمده نیز به آن افزوده شده‌اند. این افسانه‌ها ظرفیت عجیب و غریبی دارد و هر کجا رفته‌اند گسترش یافته‌اند.

می‌توان به عنوان منبعی در تولید محصولات فرهنگی و هنری نگاه کرد؛ در این راستا چه پیشنهادی

افسانه‌ها برآمده از ضمیر ناخودآگاه جمعی همه انسان‌ها هستند و به همین خاطر وقتی سهند ببهوش می‌شود او را به فضای افسانه‌ها وارد

از آنچه با توجه به مجموعه‌های پژوهش‌های افرادی نظیر زنده‌یاد انجوی شیرازی که به نوعی آغازگر جمع‌آوری قصه‌های عامیانه است هم بهره‌رفته‌اید؟

تمام کارهای انجوی شیرازی، حتی آنهایی را که منتشر نشده‌اند، خوانده‌ام.

تمام کارهای انجوی شیرازی، حتی آنهایی را که منتشر نشده‌اند، خوانده‌ام.



افسانه‌های هزار و یک‌شب را نمی‌توان هندی دانست. در این افسانه‌ها به زن، به عنوان شخصیتی اثرگذار پرداخته شده؛ زنی که به کمک قدرت قصه‌گویی، جان انسان‌های بی‌شماری را نجات می‌دهد. این مسأله‌ای است که ادبیات گذشته هیچ‌کشوری، حتی در میان غربیان مدعی هم به این صورت مورد توجه نبوده، اگر بوده هم تنها در حد ژست بوده‌اند.

افسانه‌های هزار و یک‌شب را نمی‌توان هندی دانست. در این افسانه‌ها به زن، به عنوان شخصیتی اثرگذار پرداخته شده؛ زنی که به کمک قدرت قصه‌گویی، جان انسان‌های بی‌شماری را نجات می‌دهد. این مسأله‌ای است که ادبیات گذشته هیچ‌کشوری، حتی در میان غربیان مدعی هم به این صورت مورد توجه نبوده، اگر بوده هم تنها در حد ژست بوده‌اند.

افسانه‌های هزار و یک‌شب را نمی‌توان هندی دانست. در این افسانه‌ها به زن، به عنوان شخصیتی اثرگذار پرداخته شده؛ زنی که به کمک قدرت قصه‌گویی، جان انسان‌های بی‌شماری را نجات می‌دهد. این مسأله‌ای است که ادبیات گذشته هیچ‌کشوری، حتی در میان غربیان مدعی هم به این صورت مورد توجه نبوده، اگر بوده هم تنها در حد ژست بوده‌اند.

افسانه‌های هزار و یک‌شب را نمی‌توان هندی دانست. در این افسانه‌ها به زن، به عنوان شخصیتی اثرگذار پرداخته شده؛ زنی که به کمک قدرت قصه‌گویی، جان انسان‌های بی‌شماری را نجات می‌دهد. این مسأله‌ای است که ادبیات گذشته هیچ‌کشوری، حتی در میان غربیان مدعی هم به این صورت مورد توجه نبوده، اگر بوده هم تنها در حد ژست بوده‌اند.

بله و هر مرتبه آنقدر نوآورانه به سراغ‌شان می‌روند که برای مخاطبان تا یکی دو روز بعد از خواندن آن یادمان می‌ماند. این افسانه‌ها را نمی‌توان هندی دانست. در این افسانه‌ها به زن، به عنوان شخصیتی اثرگذار پرداخته شده؛ زنی که به کمک قدرت قصه‌گویی، جان انسان‌های بی‌شماری را نجات می‌دهد. این مسأله‌ای است که ادبیات گذشته هیچ‌کشوری، حتی در میان غربیان مدعی هم به این صورت مورد توجه نبوده، اگر بوده هم تنها در حد ژست بوده‌اند.



بله و هر مرتبه آنقدر نوآورانه به سراغ‌شان می‌روند که برای مخاطبان تا یکی دو روز بعد از خواندن آن یادمان می‌ماند. این افسانه‌ها را نمی‌توان هندی دانست. در این افسانه‌ها به زن، به عنوان شخصیتی اثرگذار پرداخته شده؛ زنی که به کمک قدرت قصه‌گویی، جان انسان‌های بی‌شماری را نجات می‌دهد. این مسأله‌ای است که ادبیات گذشته هیچ‌کشوری، حتی در میان غربیان مدعی هم به این صورت مورد توجه نبوده، اگر بوده هم تنها در حد ژست بوده‌اند.

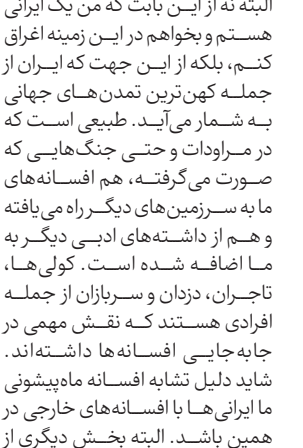
بله و هر مرتبه آنقدر نوآورانه به سراغ‌شان می‌روند که برای مخاطبان تا یکی دو روز بعد از خواندن آن یادمان می‌ماند. این افسانه‌ها را نمی‌توان هندی دانست. در این افسانه‌ها به زن، به عنوان شخصیتی اثرگذار پرداخته شده؛ زنی که به کمک قدرت قصه‌گویی، جان انسان‌های بی‌شماری را نجات می‌دهد. این مسأله‌ای است که ادبیات گذشته هیچ‌کشوری، حتی در میان غربیان مدعی هم به این صورت مورد توجه نبوده، اگر بوده هم تنها در حد ژست بوده‌اند.

بله و هر مرتبه آنقدر نوآورانه به سراغ‌شان می‌روند که برای مخاطبان تا یکی دو روز بعد از خواندن آن یادمان می‌ماند. این افسانه‌ها را نمی‌توان هندی دانست. در این افسانه‌ها به زن، به عنوان شخصیتی اثرگذار پرداخته شده؛ زنی که به کمک قدرت قصه‌گویی، جان انسان‌های بی‌شماری را نجات می‌دهد. این مسأله‌ای است که ادبیات گذشته هیچ‌کشوری، حتی در میان غربیان مدعی هم به این صورت مورد توجه نبوده، اگر بوده هم تنها در حد ژست بوده‌اند.



بله و هر مرتبه آنقدر نوآورانه به سراغ‌شان می‌روند که برای مخاطبان تا یکی دو روز بعد از خواندن آن یادمان می‌ماند. این افسانه‌ها را نمی‌توان هندی دانست. در این افسانه‌ها به زن، به عنوان شخصیتی اثرگذار پرداخته شده؛ زنی که به کمک قدرت قصه‌گویی، جان انسان‌های بی‌شماری را نجات می‌دهد. این مسأله‌ای است که ادبیات گذشته هیچ‌کشوری، حتی در میان غربیان مدعی هم به این صورت مورد توجه نبوده، اگر بوده هم تنها در حد ژست بوده‌اند.

بله و هر مرتبه آنقدر نوآورانه به سراغ‌شان می‌روند که برای مخاطبان تا یکی دو روز بعد از خواندن آن یادمان می‌ماند. این افسانه‌ها را نمی‌توان هندی دانست. در این افسانه‌ها به زن، به عنوان شخصیتی اثرگذار پرداخته شده؛ زنی که به کمک قدرت قصه‌گویی، جان انسان‌های بی‌شماری را نجات می‌دهد. این مسأله‌ای است که ادبیات گذشته هیچ‌کشوری، حتی در میان غربیان مدعی هم به این صورت مورد توجه نبوده، اگر بوده هم تنها در حد ژست بوده‌اند.



بله و هر مرتبه آنقدر نوآورانه به سراغ‌شان می‌روند که برای مخاطبان تا یکی دو روز بعد از خواندن آن یادمان می‌ماند. این افسانه‌ها را نمی‌توان هندی دانست. در این افسانه‌ها به زن، به عنوان شخصیتی اثرگذار پرداخته شده؛ زنی که به کمک قدرت قصه‌گویی، جان انسان‌های بی‌شماری را نجات می‌دهد. این مسأله‌ای است که ادبیات گذشته هیچ‌کشوری، حتی در میان غربیان مدعی هم به این صورت مورد توجه نبوده، اگر بوده هم تنها در حد ژست بوده‌اند.